



چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی آنطور که توسط دانشمندان مختلف ارائه شده اغلب در برگزیده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری متقابل میان اعضای یک گروه یا یک جامعه، ارزشها و هنجارهای غیررسمی و جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که نظام هدفمندی را شکل می دهند و آنها را بسوی دستیابی به منافع مشترک هدایت می کنند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد.

این مقاله در پی بررسی این مفهوم در ادبیات موضوع و آشکار نمودن اهمیت آن در محیط کسب و کارها می باشد.

کلید واژه:

سرمایه اجتماعی، اعتماد، هنجار، توسعه

مقدمه

همانطور که می دانیم اعمال انسانها در زندگی اجتماعی شان باتوجه به اطلاعاتی که نتیجه ادراکشان از محیط می باشد، صورت می گیرد. در حقیقت انسانها با استفاده از این اطلاعات، اعمال متقابل خود با انسانهای دیگر را برای طلبیدن خوبی و اجتناب از بدی تنظیم می کنند. به این معنی که تحت تاثیر اطلاعاتی که انسان از اطراف خود دارد اعمال با علاقه یا پرهیز انجام می شوند. برای مثال در فعالیتهای تولیدی نمی توانیم بدون توجه به محیط کار و روابط انسانی فقط به دنبال رسیدن به کالاهای با ارزش باشیم، بلکه باید برای رسیدن به محیط مناسب برای به وجود آمدن روابط انسانی ارضا کننده و با ارزش نیز تلاش کنیم زیرا این روابط در خودشان ارزش بسیاری دارند

و به عنوان کمک کننده و کاتالیزور تولید کالاها و خدمات هستند. (آلن اشمید، ۲۰۰۰)^۱ از طرف دیگر انسان بطور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را بر طرف ساخته و گذران امور می کند. اثرات این کنشهای متقابل و نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می سازد.

اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش ها و روابط بین انسانها پرداخته و به مجموعه عواملی پی برده اند که آنرا سرمایه اجتماعی نامیده اند. این روابط انسانی که به عنوان سرمایه اجتماعی توضیح داده می شوند شبیه یک عامل می باشند که کالاها، نقل و انتقالات و مطلوبیت را تولید می کند.

مفهوم سرمایه اجتماعی آنطور که توسط دانشمندان مختلف ارائه شده اغلب در برگزیده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری متقابل میان اعضای یک گروه یا یک جامعه (رابرت پاتنام^۲)، ارزشها و هنجارهای غیررسمی (فرانسیس فوکویاما^۳) و جنبه هایی از ساختار اجتماعی (جیمز کلنن^۴) است که نظام هدفمندی را شکل می دهند و آنها را بسوی دستیابی به منافع مشترک هدایت می کنند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف

سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد.

۱. سابقه تاریخی سرمایه اجتماعی

اگرچه در دو دهه گذشته، با انتشار نظرات بوردیو^۱، کلمن و پاتنام مطالعات در مورد سرمایه اجتماعی کاملاً عمومی شده (فابیو ساباتینی، ۲۰۰۶)^۲، اما در رابطه با سابقه سرمایه اجتماعی توافق چندانی وجود ندارد. اگر بخواهیم کاربردها، مقاصد و تعاریفی که در علوم اجتماعی از این مفهوم می‌شود را دسته بندی کنیم و ریشه این مفهوم را در آرای اندیشمندان متاخر و کلاسیک جستجو کنیم، شاید در ۳ رویکرد بتوان به ردیابی آن پرداخت. (جدول ۱) در رویکرد اول می‌توان سابقه مفهوم را از کارل مارکس آغاز کرد. او در کتاب "سرمایه" به مسئله همبستگی از روی اجبار و ضرورت که در آن قرار می‌گیرند مانند وضعیت مهاجران و پناهندگان در یک جامعه اشاره می‌کند، بدین معنی که شرایط منفی و بحرانی افراد را به سوی استفاده از انرژی جمعی، توانایی‌های بالقوه جمعی، اتکا به یکدیگر و توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیلهای گروهی ترغیب می‌کند. این خاصیت، امروز نیز به نوعی در مفهوم سرمایه اجتماعی مطرح است. یعنی همان استفاده از انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی به نحوی که با نتایج مثبت یا منفی افراد را گرد هم جمع می‌آورد [۱]

رویکرد دیگر در آرای جورج زیمل قابل باز شناسی است. یعنی جایی که او از مفهوم "بده بستان" یا دادوستد صحبت می‌کند. مبنای بده بستان هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان دادن به مناسبات بین فردی، مبادلات و تعاملاتی که برای بقای خود ضروری می‌دانند وضع می‌کنند. البته با توجه به سود و منفعت در مقابل چنین سرمایه گذاری که می‌تواند هر شکلی به خود بگیرد، افراد توقع دارند، کمک و لطفی که نشان می‌دهند، جبران شود؟ در این رویکرد مفهوم سرمایه اجتماعی به دادوستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند تقلیل می‌یابد. البته با ملاحظات مشخص و منفعتی که دیر یا زود، انتظار برآورده شدن آن می‌رود، این نگاه به مبادلات اجتماعی امروز رواج بیشتری دارد. به عنوان مثال این نگاه، در ادبیات اقتصادی که با نئوکلاسیکها آغاز شد و وجوه فلسفی آن از مکتب اصالت سود ریشه گرفته، وجود دارد. یا بطور کلی و مشخص در نظریه مبادله و کنش متقابل به آن پرداخته شده است. این گروه‌ها و گرایشها به سرمایه اجتماعی به نگاه دوم برمبنای دادوستد اجتماعی می‌پردازد. [۱]

رویکرد سوم که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری بر جای گذاشته مباحثی است که با "امیل دورکheim" آغاز و پس از او با "تالکوت پارسونز" پیگیری شد. این افراد با نگاهی انتقادی و در پاسخ به بینش‌ها و رویکردهایی که مفهوم سرمایه را به مبادلات اقتصادی تقلیل می‌دادند، به طرح مفهوم ارزش پرداختند و تغییر خود را به نوعی بر درون فکری ارزشی استوار کردند. یعنی تعهداتی که مبنای آنها، ارزشها و هنجارهای اجتماعی است. این روابط، تعاملات و همکاریها که بطور عام به آن سرمایه اجتماعی می‌گوییم ریشه در هنجارها و ارزشهای جامعه دارند. چنین هنجارها و ارزشهایی افراد را به ایفای نقش‌ها و اعمال خود ترغیب می‌کند. این نگاه، نگرشی ارزشی به مسئله شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دارد. یعنی رویکردی که مسائل ساختی فرهنگی و تاریخی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دخیل می‌داند و در تفاسیری که ارائه می‌دهد از این مسائل بهره می‌جوید [۱]



جدول ۱: رویکردهای مختلف به سرمایه اجتماعی

ریشه یابی مفهوم در آثار دانشمندان	نوع رویکرد به سرمایه اجتماعی
کارل مارکس ، همبستگی از روی اجبار مانند مهاجران	استفاده از توانایی های بالقوه جمعی همراه با آثار مثبت و منفی برای افراد
جورج زیمل ، داد و ستد یا بده بستان	استفاده افراد از روابط اجتماعی به عنوان ابزاری برای کسب منفعت
امیل دورکهمیم ، تالکوت پارسونز، انتقاد از تقلیل مفهوم سرمایه به مبادلات اقتصادی	وجود تمهیدات ناشی از هنجارها و ارزشهای فرهنگی و تاریخی

۲. معرفی اولیه مفهوم

در دو دهه اخیر سرمایه اجتماعی در زمینه و اشکال گوناگونش به تدریج به عنوان یکی از کانونی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی ظهور و بروز یافته است. اما در طول ۱۰ سال اخیر با شروع از امریکا، مقدار زیادی نوشته به صورت انفجاری در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی توسعه یافته است. پیشرفت مفهوم اولاً بوسیله پاتنام شارژ شد و سپس توسط بانک جهانی و کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تقویت شد، و اثر مثبت سطح بالای سرمایه اجتماعی در زندگی بهتر، رشد اقتصادی، سلامت، بازدهی آموزشی، کارایی دولت، امنیت و شبیه آن مورد ستایش زیادی واقع شد. به هرحال یک انفجار علاقه در اهمیت روابط اجتماعی، هنجارها و شبکه ها در علوم اجتماعی در ۱۰ سال گذشته به وجود آمده است؛ (سوفی پونتیکس، ۲۰۰۴) و سرعت فوق العاده زیاد افزایش سرمایه اجتماعی یکی از مشخصه های روند علوم اجتماعی و سیاست عمومی طی دهه گذشته بوده است. (قابو ساباتینی، ۲۰۰۶)^۴

هرچند سرمایه اجتماعی شور و شوق زیادی در میان صاحب نظران و پژوهشگران به مثابه یک چهارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی ایجاد نموده، لیکن نگرشها، دیدگاهها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش ها در این حوزه بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در زمینه های متفاوت اجتماعی است. برخی از پژوهشگران بر یک ارتباط قوی میان میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت حکومت تاکید می نمایند وعده ای دیگر بر تاثیر میزان سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی تاکید دارند و میان این مفهوم و توسعه جوامع رابطه برقرار می کنند و به اعتقاد آنان بین آن دو یک رابطه همبستگی برقرار است. گروه دیگر از پژوهشگران ارتباط روشنی بین میزان سرمایه اجتماعی و سلامت، میان میزان سرمایه اجتماعی و خوشبختی، رفاه فرد و امید به آینده برقرار نموده اند بطور کلی صاحب نظران و پژوهشگران از چند منظر به موضوع سرمایه اجتماعی پرداخته اند. برخی از پژوهشگران در آثارشان به دلایل و علل شکل گیری سرمایه اجتماعی در جامعه اشاره کرده و برخی دیگر به توصیف و تبیین ابعاد سرمایه اجتماعی پرداخته اند و نهایتاً عده ای دیگر بر نتایج و پیامدهای سرمایه اجتماعی در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی تاکید ورزیده اند.

۳. توسعه مفهوم توسط دانشمندان مختلف

نکته ای که در ابتدا باید ذکر کنیم این است که اگرچه تا قبل از گلن لوری در دهه ۱۹۷۰ در مقالات و تحقیقات برخی اندیشمندان نام سرمایه اجتماعی به چشم می خورد اما هیچ وقت به عنوان مفهومی مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته بود. اما گلن لوری - اقتصاددان - اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل اقتصاد درون شهری بکار برد: آمریکاییهای آفریقایی الاصل در محدوده اجتماعات خود فاقد اعتماد و همبستگی بودند، در حالی که برای آمریکایی های آسیایی الاصل و دیگر گروههای قومی این اعتماد و همبستگی

وجود داشت. همین فقدان اعتماد و همبستگی در میان سیاهان مبین نبود دادوستد جزئی در میان سیاهان بود^[۲]

گلن لوری (۱۹۷۷)^۱ در مقاله خود با استفاده از رهیافت نئوکلاسیکی به توضیح نابرابری در آمدی بین نژادهای مختلف پرداخته و دلالت‌های سیاسی آنرا در نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی افراد، بررسی می‌کند. در حقیقت گلن لوری در بستر انتقاد از نظریه های نئوکلاسیک نابرابری نژادی در آمدی و تبعات سیاسی آنها به سرمایه اجتماعی رسیده است و استدلال می‌کند که نظریه های اقتصادی بیش از حد فردگرایانه اند و از اقتصاد فردگرایانه انتقاد می‌کند و می‌گوید نابرابری‌های نژادی به دلیل: ۱- فقر موروثی والدین سیاه پوست ۲- ارتباط ضعیف کارگران سیاه با بازار کار می‌تواند تا ابد ادامه یابد^{۱۱}

اما پیر بوردیو (۱۹۸۶)^{۱۱} نخستین تحلیل منظم را درباره سرمایه اجتماعی ارائه کرده است. نگاه او به این مفهوم ابزاری است و بر دو جنبه تمرکز می‌کند: ۱- فوایدی که فرد از مشارکت در گروه به دست می‌آورد ۲- برقراری ارتباطات اجتماعی عمدی برای فراهم آوردن دسترسی هر چه بیشتر به این منافع و سود فردی. (آلپاندرو پورتس، ۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی را به مثابه کل منابع بالقوه یا بالفعل تعریف می‌کند که وابسته به عضویت در یک گروه هستند و این عضویت برای هر فرد دسترسی به سرمایه تحت تملک جمع را ایجاد می‌کند. وی با تقسیم بندی سرمایه ها در نظام اجتماعی به سه شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر آن است که سرمایه اجتماعی، ارتباطات و مشارکت اعضای یک جامعه برای نیل به اهداف آنهاست.

بوردیو سه نوع سرمایه را شناسایی نموده: این اشکال سرمایه عبارت است از شکل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛ شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله تبدیل به پول است و می‌توان آنرا به شکل حقوقی مالکیت نهادینه کرد مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد و تحت شرایط معینی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی بوده و ممکن است به شکل شرایط آموزشی نهادینه شود مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه بوردیو سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه گذاری است و انواع دیگر سرمایه که شامل سرمایه فرهنگی و اجتماعی است، به عنوان ابزاری برای حصول سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا می‌کند. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی در ممالک سرمایه داری به عنوان ابزاری برای تقویت و تثبیت جایگاه اقتصادی افراد بشمار می‌رود. در این ممالک، سرمایه اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می‌شود. میتوان نتیجه گرفت که دیدگاه بوردیو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود کاربردی نخواهد داشت^{۱۲}.

طبق نظر بوردیو سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه ای از ارتباطات، به صورت پدیده مفروض اجتماعی یا طبیعی اولیه وجود ندارد، بلکه جزیی است و باید برای ساخت آن تلاش مستمر صورت گیرد. سرمایه اجتماعی محصول استراتژی های سرمایه گذاری است که در نتیجه تلاش های فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه معطوف به استقرار یا بازتولید روابط اجتماعی طراحی می‌شوند. سرمایه اجتماعی ابزاری برای دسترسی به منابع موجود در جامعه سرمایه داری است.^{۱۳}

در نتیجه طبق تعریف بوردیو سرمایه اجتماعی به دو عنصر تفکیک می‌شود: ۱- خود روابط اجتماعی ۲- کیفیت و کمیت منابع. طبق تعریف بوردیو می‌توان از طریق سرمایه اجتماعی به منابع اقتصادی دست یافت. (پیر بوردیو،

(۱۹۸۶)



هجتز (۱۹۸۷)^{۱۴} با بررسی سرمایه اجتماعی یک پروسه چندمرحله ای برای ساختن اتحاد گروهی پیشنهاد کرد. وجود به هم پیوستگی میان اعضا قوانین و روشهایی ایجاد می کند. قوانین درونی و روشهایی که اعضا رفتارشان را به گونه ای تنظیم می کنند که با انتظارات دیگران برابر باشد. این نوع ساختن سرمایه اجتماعی - از قوانین رسمی و انتظارات دوطرفه اعمال گروهی را از طریق جمع آوری اطلاعات درباره شرایط و منابع و اتصال افراد در گروه یا سازمان تسهیل می کند. (گراهام هابز، ۲۰۰۰)^{۱۵}

پالدام و سودسن (۱۹۸۸)^{۱۶} نیز سرمایه اجتماعی را به عنوان سطح اعتماد میان اعضای یک گروه تعریف می کنند. (گاوت تورسویک، ۲۰۰۰)^{۱۷}

جیمز کلنن (۱۹۸۸، ۱۹۹۰)^{۱۸} سرمایه اجتماعی را از لحاظ نقش آن به حیث مکانیزمی تعریف می کند که رسیدن به اهداف معینی را ممکن می سازد، که بدون این مکانیزم رسیدن به اهداف متذکره ممکن نخواهد بود. وی معتقد است سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می شود و سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست بلکه مجموعه ای از ذات های گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه ای از ساختار اجتماعی اند، ثانیاً برخی کنش های خاص کنشگران را در داخل محدوده ساختار تسهیل می کنند. کلنن می گوید سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه مولد است ولی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً قابل معاوضه یا جانشینی نیست بلکه ممکن است مختص فعالیت های معینی باشد. به عبارت دیگر نوع معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش های معینی سودمند است، شاید برای کنش های دیگر بی فایده یا حتی زیان بخش باشد. کلنن سرمایه اجتماعی را به عنوان جنبه هایی از ساختار اجتماعی می داند که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند منابع ذاتی روابط متقابل اجتماعی که کنش اجتماعی را تسهیل می کند. در حقیقت کلنن سرمایه اجتماعی را به عنوان صفت در سطح جامعه می داند.

به اعتقاد کلنن سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می آید که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون می شود که کنش را تسهیل می کند. از نظر کلنن سرمایه اجتماعی منبعی است که بر مبنای آن کنش های دیگر و کنش های جمعی برای تامین منافع متقابل انجام می شوند. منشأ سرمایه اجتماعی ساختار اجتماعی است. وی به وجوهی از ساختار اجتماعی اشاره دارد که تعهدات، انتظارات، مجاری اطلاعات و ضمانت های اجرایی موثر را در بر گیرد و انواع معینی از رفتار را تشویق می کند و در روابط میان اشخاص وجود دارند: اگر الف کاری برای ب انجام دهد و به ب اعتماد کند که در آینده آنرا جبران نماید، انتظاری در الف و تعهدی در ب به وجود می آید. کلنن مفهوم را به منظور فهم نقش هنجارها و ضمانت های اجرایی، درون خانواده و شبکه های اجتماعی به کار می برد، که امکان تولید سرمایه انسانی را بوجود می آورند. کلنن، اعتماد را مبنای سنجش سرمایه اجتماعی می داند. در توصیف وی سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر اشکال سرمایه، ناملموس است و بوسیله مفهوم سرمایه اجتماعی با اصلاح مدلهای تنگ نظرانه اقتصادی، نکات جدیدی به ما افزوده است و اصلاح را در الگوهای تحلیل اقتصادی رایج به همراه دارد.

اما برجسته ترین تحقیقات را در مورد سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام انجام داده است. پاتنام نرخ رشد نواحی ایتالیا را قبل و بعد از اصلاحات دولت منطقه ای در دهه ۱۹۷۰ مدل کرد. قبل از اصلاحات، سرمایه اجتماعی بالاتر مناطق شمال نسبت به سرمایه اجتماعی پایین مناطق جنوب، مناطق شمالی را بسیار توانمندتر و تولیدی تر کرده بود. اما مناطق جنوبی به تدریج بهتر شدند. به هر حال در ادامه اصلاحات که شامل ایجاد یک رده منطقه ای جدید قدرتمند دولت در مناطق بیست گانه ایتالیا بود، نرخ رشد بالای سرمایه اجتماعی مناطق شمالی دوباره به جلو حرکت کرد. به نظر می رسد که سرمایه اجتماعی بالای مناطق شمالی از برخی راهها، توانایی این مناطق برای به دست آوردن رشد بالاتر را تسهیل می کند^{۱۹}

وی از تفاوت‌های منطقه ای در ایتالیا دریافت که تفاوت‌های بزرگ در کارایی دولتهای مناطق ایتالیا توسط منابع یا ساختارشان توضیح داده نمی‌شود، بلکه با تفاوت‌های منطقه ای در سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود. پاتنام بحث کرد که موفقیت مناطق شمالی ایتالیا در اساس اجتماعی توانگر از زندگی مشارکتی در حال جنبش از آن مناطق در برابر با "خانواده غیراخلاقی یک سوئ؛ زن بیگانه ترکیب شده با قیود خانوادگی قوی که نماینده بیشتر مناطق عقب مانده جنوبی است، وجود دارد. پاتنام نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی در ایتالیا نتیجه یک دوره طولانی میرا از توسعه تاریخی می‌باشد، و بنابراین نمی‌تواند در دوره کوتاه اضافه شود. همچنین پاتنام عقیده دارد که سرمایه اجتماعی بیش از جمع عناصر تشکیل دهنده آن است بدین معنی که وقتی امتیازات شبکه ها، هنجارها و اعتماد را در یک جامعه با هم جمع کنیم بیشتر از امتیازات آنها به صورت جداگانه می‌باشد.

وی در نهایت سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند:

ویژگی های زندگی اجتماعی - شبکه ها، هنجارها، و اعتماد که افراد را قادر می‌سازد با هم و با کارایی بیشتر برای دنبال کردن اهداف فردی عمل کنند. سرمایه اجتماعی به طور خلاصه اشاره دارد به ارتباطات اجتماعی و اعتماد و هنجارهای همراه اعتماد یعنی هنجارها و شبکه هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.

فرانسیس فوکویاما دانشمندی است که اعتقاد دارد که تعاریفی که برای سرمایه اجتماعی ارائه شده اند به نمودهای سرمایه اجتماعی و نه خود آن اشاره دارند. تعریف وی از سرمایه اجتماعی بدین شکل است: سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. فوکویاما می‌گوید «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی و مثبت است که اعضای یک اجتماع در آن سهیم می‌باشند. اساساً این هنجارها باید شامل عناصر مثبت و نیکی از قبیل صداقت، وفای به عهد اعتماد متقابل و غیره باشد. فوکویاما به وجود هنجارها و ارزشهای غیررسمی در یک گروه اعتقاد دارد اما اعتقاد دارد که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی نمی‌انجامد چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشد و این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در گروه بینجامد فوکویاما هنجارهای منفی در گروه هنجار موجود در مافیای ایتالیا را مثال می‌زند و داستانی را تعریف می‌کند که پدری فرزند خردسال خود را، با آگاهی ترس فرزند از ارتفاع وی را در بالای ارتفاعی از دیوار قرار میدهد و فرزند را ترغیب به پریدن به سوی خود می‌کند فرزند به امید افتادن در بغل پدر می‌پرد اما پدر جاخالی می‌دهد و فرزند با صورت به زمین می‌خورد. فوکویاما با بیان این داستان نتیجه می‌گیرد که هنجار موجود در مافیا این است که حتی به پدر و مادر هم اعتماد نکن این هنجار ممکن است هنجار منفی باشد ولی باعث انسجام گروه مافیا است.

به طور خلاصه فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل رشد سطح همکاری اعضای جامعه معرفی می‌کند که هزینه مبادله ارتباطات را کاهش می‌دهد و اعتماد را مبنای هرگونه مبادله اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌کند. البته سرمایه اجتماعی در مقایسه با سرمایه فیزیکی یا انسانی کمتر به عنوان یک خیر اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و دلیل آن نیز به نظر وی تعداد بیشتر سرمایه اجتماعی در تولید آثار خارجی منفی است و این نکته در حقیقت نقطه افتراق این سرمایه با سایر اشکال سرمایه است. در نهایت این اندیشمند معاصر اعتقاد دارد که در ارتباط با سرمایه اجتماعی باید دو نکته را روشن کرد:

۱. سرمایه اجتماعی زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروههاست و نه به افراد، هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد.



۲. سرمایه اجتماعی با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد لزوماً چیز خوبی نیست. در این علوم همکاری و همیاری برای تمام فعالیتهای اجتماعی خواه خوب یا بد، ضروری است.

۴. انواع سرمایه اجتماعی

جیمز کلنن سه شکل برای سرمایه اجتماعی قائل است:

۱. تکالیف و انتظارات: اگر الف کاری برای ب انجام دهد و به ب اعتماد داشته باشد که در آینده جبران خواهد کرد، توقع و انتظاری در الف و تکلیفی برای ب بوجود می آید که کلنن این تکلیف را به عنوان برگه اعتباری می داند که در تصرف الف است و عملی ساختن آن بر عهده می باشد. حال اگر الف در مناسباتش تعداد زیادی از این برگه های اعتباری را داشته باشد این برگه ها برای الف کاملاً مشابه سرمایه مالی عمل می کنند که در صورت لزوم میتواند به آنها متوسل شود. این شکل از سرمایه اجتماعی به قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی کاملاً بستگی دارد.

۲. معجاری اطلاعاتی: شکل مهمی از سرمایه اجتماعی توان دستیابی به اطلاعات است. اهمیت اطلاعات از این نظر است که مبنایی برای عمل فراهم می کند. اخذ اطلاعات هزینه بر است. یک وسیله که می توان با آن به اطلاعات دست یافت، استفاده از روابط اجتماعی است.

۳. هنجارها و احکام بازدارنده موثر: هنگامی که هنجاری وجود دارد و موثر هم است، تشکیل شکلی از سرمایه اجتماعی را می دهد. این شکل از سرمایه اجتماعی بر خلاف دو شکل دیگر تنها بعضی اعمال را تسهیل نمی کند، بلکه بر برخی اعمال دیگر نیز قید می زند.

نوع دیگری از تقسیم بندی انواع سرمایه اجتماعی نیز وجود دارد. در این تقسیم بندی سرمایه اجتماعی که ابتدا توسط وولکوک پیشنهاد شد، یک رابطه علاوه بر طبقه بندی قبلی انواع مختلف سرمایه اجتماعی است.^{۲۰}

الف- سرمایه اجتماعی درون گروهی: توسط قیود قوی (یا چسبندگی های اجتماعی) مشخص می شود. مانند قیود موجود در میان افراد خانواده یا بین اعضای یک گروه اخلاقی و یا گروه های قومی

ب- سرمایه اجتماعی بین گروهی: با تراکم کمتر و ضعیف تر مشخص می شود. مانند روابط تجاری، آشنایی ها، دوستان از گروه های اخلاقی متفاوت، دوستان و یا روابط میان گروه های قومی^{۲۱}

تمایز بین سرمایه درون گروهی یا بین گروهی یا بین روابط قوی و ضعیف بسیار سخت است. اثرات سرمایه اجتماعی به اشکالی که در شرایط مختلف است، وابسته می باشد. افراد همچنین به انواع مختلف سرمایه اجتماعی در نقاط مختلف زندگی شان نیاز دارند. در حقیقت انواع مختلف سرمایه اجتماعی مناسب عایدات اجتماعی و اقتصادی مختلف هستند مانند اینکه سرمایه اجتماعی درون گروهی برای سلامت در بچه های کوچک و پیران از کار افتاده بسیار مهم است در حالی که سرمایه اجتماعی میان گروهی در زندگی بالغ وقتی دنیال کار می گردد، مهم است.

کلاً می توان گفت در طول یک دوره زندگی افراد، انواع متفاوت سرمایه اجتماعی ممکن است برخی اوقات مهم باشد:

در دوران کودکی و پیری، وقتی توسعه ذهنی و فیزیکی یا سلامت وخیم است، سرمایه اجتماعی درون گروهی ممکن است به شدت مهم باشد در حالیکه در افراد بالغ، یک ترکیب سرمایه اجتماعی میان گروهی و درون گروهی می تواند با یک تاکید بر سرمایه میان گروهی در زمانهای جستجوی کار مورد نیاز باشد.

نکته ای که باید توجه کنیم اینکه عایدات مربوط به سلامتی فرد بیشترین تاثیر را از سرمایه اجتماعی درون گروهی بگیرد، در حالی که عایدات اقتصادی بیشتر بر انتشار سرمایه اجتماعی میان گروهی متکی است. اما عایدات مربوط به جرم و آموزشی در انواع مختلف سرمایه اجتماعی ظاهر می‌شوند^{۲۲}

۶. سطوح سرمایه اجتماعی

از نظر سطح شمول نیز سرمایه اجتماعی به ۳ دسته تقسیم می‌شود:

الف - سطح فردی یا سطح خرد مانند همکاری و رابطه بین دوستان. این سطح منطبق بر سنت فکری همگرایی در جامعه شناسی است. سنت فکری همگرایی نقطه عزیمت خود را بر فرد قرار می‌دهد، به مفاهیم روابط اجتماعی و اعتماد معطوف است، به پرسشهایی در مورد مکانیسم‌هایی که همگرایی ارزشهای جامعه ما همبستگی و همزیستی را تقویت می‌کنند و مکانیسم‌هایی که اجماع بوجود می‌آورند و توسعه جامعه را تداوم می‌بخشند تاکید می‌ورزند. در سنت فکری وفاق و همگرایی دو نکته به چشم می‌خورد:

۱- چگونه افراد در روابط اجتماعی سرمایه گذاری می‌کنند؟

۲- چگونه افراد منابع موجود در روابط را برای تولید یک سود بدست می‌آورند؟

ب - سطح گروهی یا سطح میانه مثل همکاریهای خودجوش. منطبق بر سنت فکری ستیز در جامعه شناسی می‌باشد. سنت فکری ستیز نقطه عزیمت خود را بر گروه و جمع قرار می‌دهد و به بررسی منازعات اجتماعی بر سر منافع در عرصه های مختلف نظیر اشکال قدرت، خشونت و اشکال سلطه و محرومیت می‌پردازد. در سنت جامعه شناختی ستیز بر دو مبحث تاکید می‌ورزند:

۱- چگونه گروهها سرمایه اجتماعی را بعنوان یک دارایی جمعی ایجاد و حفظ می‌کنند؟

۲- چگونه یک چنین دارایی جمعی فرصتهای زندگی اعضای گروه را افزایش می‌دهد؟

ج - سطح اجتماعی یا سطح کلان مانند نهادهای دموکراتیک. خواه به سرمایه اجتماعی در سطح گروه و جمع نگاه کنیم و خواه در سطح فردی، به هر حال همه محققان به این ایده، اعتقاد دارند که اعضای تعامل کننده در شبکه های مشارکت هستند که حفظ و بازتولید این دارایی اجتماعی را ممکن می‌سازند.

۷. شاخصها و اندازه گیری سرمایه اجتماعی

بحث شاخصهای اندازه گیری سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین مباحث مربوط به این مفهوم می‌باشد. برای مثال دو جامعه توسعه نیافته a و b را در نظر بگیرید. فرض کنیم که متغیرهای اقتصادی استاندارد شبیه مقدار سرمایه انسانی، فیزیکی و دسترسی به منابع طبیعی، میتواند بخش کوچکی از تفاوت میان دو کشور را در بازدهی اقتصادی توضیح دهد. برای شناختن اختلاف در توسعه دو جامعه ما تصمیم می‌گیریم اندازه و مقدار سرمایه اجتماعی در دو کشور را مشخص کنیم. چه کار باید بکنیم؟ چه چیزی را باید اندازه بگیریم؟ آیا ما باید یک نمای محلی کوچک بگیریم و در ساختارهای اجتماعی در هر جامعه ای متمرکز شویم، یا باید دیدگاه مان را وسیع کنیم و موسسات دولتی مختلف که جامعه را دربر گرفته اند، را در نظر بگیریم؟ سوال اساسی این است که سرمایه اجتماعی چگونه اندازه گیری می‌شود؟ مطالب موجود پاسخ روشنی به این سوال نمی‌دهند. اگر چه روشهای مبتکرانه ای برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی وجود دارد اما وسعت اینکه چه چیزی شامل سرمایه اجتماعی می‌شود از مطالعه ای با دیگری فرق دارد و اندازه گیری واقعی آن به دلایل مختلف امکان پذیر نیست.



در حقیقت یکی از بزرگترین کاستی های مفهوم سرمایه اجتماعی فقدان اتفاق نظر در سنجش و اندازه گیری آن است. در این باره دست کم دو رویکرد اجمالی وجود دارد. رویکرد نخست این است که گروهها و اعضای آنها را در جامعه مفروض سرشماری کنند. در رویکرد دوم، داده های مربوط به سطوح اعتماد و تعهد و دخالت مدنی بررسی می شوند.^{۲۳} با این وجود به دست آوردن یک مقیاس واحد و دقیق از سرمایه اجتماعی به دلایل مختلف امکانپذیر نیست. اول اینکه، جامع ترین تعریف سرمایه اجتماعی، تعریفی چند بعدی است که چند واحد تحلیل را شامل می شود، دوم آنکه ماهیت و اشکال سرمایه اجتماعی در طول زمان با تغییر موازنه بین سازمانها رسمی و نهادهای غیررسمی تغییر می کند، سومین دلیل این است که روش های علمی اندکی برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی وجود دارد که در درازمدت از آن استفاده می شود و این باعث شده محققین معاصر مجبور شوند شاخص هایی نزدیک به آنچه واقعیت است را در نظر بگیرند. مثل اعتماد به دولت، تمایل به رای دادن، نرخ رشد شرکت مردم در انتخابات، عضویت در نهادهای مدنی، ساعتی که مردم فعالیتهای داوطلبانه کرده اند و غیره (مایکل ولکاک و دیبا نارایان، ۲۰۰۰)^{۲۴} و دلیل چهارم اینکه مفهومی است که هم در سطح خرد وجود دارد و هم کلان و اشکالی که اینجا به وجود می آید آن است که در بسیاری از موارد سرمایه اجتماعی ممکن است در سطح خرد تقویت بشود در حالی که در همان زمان سرمایه اجتماعی در سطح کلان در حال تخریب است مثلاً استحکام مناسبات در گروههای قاچاق و شکل گیری باندهای قاچاق؛ یعنی اینکه سرمایه اجتماعی در گروههای کوچک در حال تقویت شدن است اما همزمان افزایش قاچاق به این معناست که سرمایه اجتماعی در سطح کلان در حال کاهش است. یا وقتی که روند عمومی کشور به این می انجامد که اقلیت های قومی و مذهبی به سمت همگرایی درونی بروند و از همگرایی ملی بهره یزند و شکافی بین آنها و نظام ملی پدیدار بشود این به منزله افزایش سرمایه اجتماعی در سطح قومیت ها و اقلیت ها و کاهش سرمایه اجتماعی در سطح ملی است. انسیس فوکویاما نیز سه دلیل را برای موانع دقیق سرمایه اجتماعی در کتاب «پایان نظم» بیان می کند:

۱. بعد کیفیتی سرمایه اجتماعی
۲. چگونگی برخورد با اثرات مثبت خارج از گروه
۳. منفی نگری در قبال افراد غیر عضو.

بنابراین به دلیل این پیچیدگی ها ساختن شاخص برای سرمایه اجتماعی خیلی دشوار است. اما ما می توانیم با ملاحظه یک سری از شواهد در خصوص چگونگی روند تغییرات سرمایه اجتماعی نتیجه گیری نماییم. در واقع می توان روند تغییرات سرمایه اجتماعی را از روی پیامدهای سرمایه اجتماعی شناسایی کرد.

در کل با وجود اختلاف در مورد تعریف سرمایه اجتماعی و اهمیت آن در رابطه با توسعه، تفاوت های بسیاری در میان پژوهشگران برای نحوه اندازه گیری تجربی این مفهوم وجود دارد. رابرت پاتنام در کتاب بولینگ انفرادی هشت شاخص جداگانه برای اندازه گیری «سرمایه اجتماعی» معرفی می کند: (۱) درصد افرادی که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنند، (۲) درصد افرادی که روزنامه می خوانند، (۳) درصد افرادی که معتقدند بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند، (۴) درصد افرادی که بدون دریافت دستمزد در یک پروژه محلی یا کار گروهی مشارکت کرده اند، (۵) درصد افرادی که عضو یک گروه یا انجمن شهروندی هستند، (۶) درصد افرادی که به طور مرتب به کلیسا می روند، (۷) درصد افرادی که به سیاست علاقمندند و بالاخره (۸) درصد افرادی که به طور مرتب به کلوب یا باشگاه می روند.

در دسته بندی دیگری از شاخص های سرمایه اجتماعی، واتناو^{۲۵} آنها را در چهار گروه عمده خلاصه می کند:

میزان عضویت در انجمن ها و گروه هایی نظیر انجمن، خانه و مدرسه، باشگاه های ورزشی، انجمن های صنفی - حرفه ای و محافل ادبی هنری - علمی، (۲) میزان اعتماد به سایر شهروندان، (۳) میزان مشارکت در فعالیت های

مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردهمایی ها، راهپیمایی ها، مناظره های سیاسی، نامه نوشتن به روزنامه ها و نمایندگان پارلمان و مقامات حکومتی نظیر امضای طومار (۴) میزان مشارکت در فعالیت های داوطلبانه مانند نهادهای خیریه، گروه های همسایگی، و هیأت های مذهبی.

اما در برخی جوامع داده های مناسبی برای شاخص های ذکر شده مهیا نیست. فوکویاما در مورد روش جایگزین اندازه گیری سرمایه اجتماعی در جوامعی که داده های مناسب برای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی ندارند می گوید باید انحرافات اجتماعی محاسبه شود. به نظر فوکویاما بجای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می توان نبود سرمایه اجتماعی به عبارت دیگری انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و داد خواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش های مرسوم اندازه گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کند، انحرافات اجتماعی نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود.

۸. چهار دیدگاه درباره سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

در مجموع در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه چهار دیدگاه را می توان مشاهده کرد:

الف - دیدگاه اجتماع گرایی: در این دیدگاه سرمایه اجتماعی با سازمان های محلی مانند باشگاه ها، انجمن ها و گروه های مدنی برابر انگاشته می شود. در این دیدگاه سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و هر چه بیشتر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماع دارد. طرفداران این دیدگاه وجه منفی آن را نادیده گرفته اند. اما شواهدی که از جهان در حال توسعه داریم نشان می دهد که صرف دارا بودن سطوح بالای همبستگی اجتماعی یا گروه ها غیررسمی لزوماً به رفاه اقتصادی نمی انجامد.

ب - دیدگاه شبکه ای: در این دیدگاه که سعی می شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی به حساب آورده شود، اهمیت پیوندهای عمودی و همچنین افقی در بین مردم و روابط درونی و فیما بین این قبیل هیت های سازمانی منتج از این پیوندها به عنوان گروه ها و بنگاهها مورد تاکید قرار می گیرد. سرمایه اجتماعی در دیدگاه شبکه ای دو خصلت ویژه دارد. اولاً سرمایه اجتماعی یک شمشیر دودم است که هم می تواند سود برساند و هم هزینه دارد. دوم آنکه باید بین منابع سرمایه اجتماعی و عوارض ناشی از آن تمایز قائل شد. در نتیجه این ویژگیها، استدلال دیدگاه شبکه ای این است که خصلت بارز جوامع را می توان با برخورداری از این دو بعد سرمایه اجتماعی مشخص کرد و ترکیبات مختلف این دو بعد است که طیف نتایجی را توضیح می دهد که با سرمایه اجتماعی در ارتباط اند

ج - دیدگاه نهادی: این دیدگاه معتقد است که سرزندگی شبکه های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف دیدگاه های اجتماع گرا و شبکه ای که با سرمایه اجتماعی به عنوان متغیری مستقل برخورد می کنند که به ظهور پیامدهای گوناگون اعم از خوب و بد، می انجامد، نگرش نهادی، سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته تلقی می کند. استدلال طرفداران این دیدگاه این است که عمل کردن به خاطر نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت آنها قرار دارند.^{۶۶} مطالعاتی که در این رویکرد صورت گرفت با استفاده از شاخص های مختلف به این نتیجه رسیده اند که مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی های مدنی و کیفیت دیوان سالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارند.

د - دیدگاه همیاری: این دیدگاه می گوید که آثار قوی دو دیدگاه شبکه ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. مؤثرترین بخش تحقیقات در این دیدگاه در یکی از ویژه نامه های گزارش توسعه جهانی در سال ۱۹۹۶ به چاپ

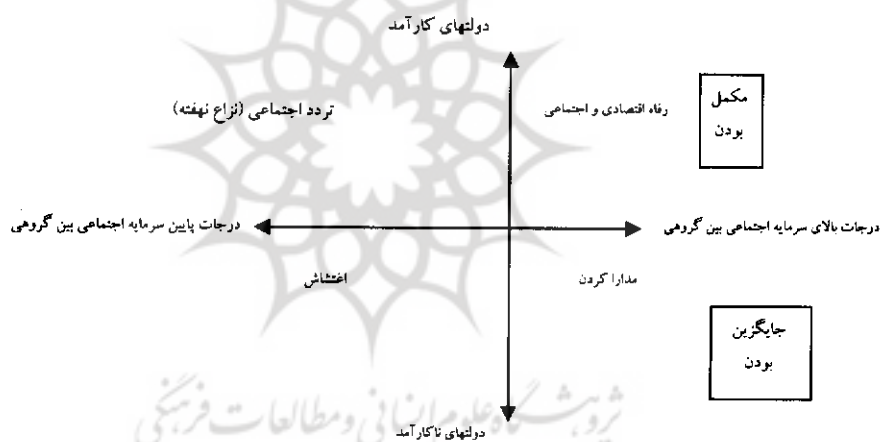


رسیده است. نویسندگان این ویژه نامه با بررسی مواردی مربوط به برزیل، هند، مکزیک، کره جنوبی و روسیه در جستجوی شرایطی که به توسعه کمک می کند، یعنی ائتلاف بین دیوان سالاری دولتی و کنش گران جامعه مدنی و درون دیوان سالاری دولتی و جامعه مدنی به سه نتیجه کلی رسیده‌اند:

- دولت و جوامع هیچ کدام به طور ذاتی خوب یا بد نیستند. تاثیری که دولت‌ها، شرکتها و گروههای مدنی بر تحقق اهداف جمعی می‌گذارند متغیر است.

- دولت‌ها، نگاهها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه گسترده و پایدار هستند و لازم است هم درون و هم ورای این بخش‌ها، عوامل مکمل و موجد مشارکت شکل بگیرند.

- در بین بخشهای مختلف، نقش دولت در تسهیل نتایج مثبت توسعه ای از هم مهمتر است. اجتماعات و نگاهها نیز نقش مهمی در ایجاد شرایطی بر عهده دارند که به وجود آمدن حکمرانی خوب می‌انجامد. در حقیقت دولت و جامعه مدنی مکمل یکدیگر هستند. نارایان (۱۹۹۹) ایده های محوری سرمایه اجتماعی بین گروهی و روابط دولت - جامعه را در هم آمیخته و با ادغام آنها پیشنهاد می‌کند که ترکیبات مختلف حکمرانی و سرمایه اجتماعی بین گروهی در یک گروه، در سطح محلی یا جامعه مداخلات متفاوتی را طلب می‌کند که در نمودار زیر شرح داده شده است.



*مکمل بودن مربوط است به تعامل بهینه دولت و بازارها در جامعه مدنی

* منظور از جایگزین بودن آن است که مثلا سازمانهای غیررسمی جای دولت را بگیرند. در این حالت نهادهای مزبور تصدی خدماتی را که به طور معمول از سوی دولت و نهادها تامین می‌شود، مصادره می‌کنند.

نتیجه گیری

جایگاه و اعتبار هر جامعه ای به میزان تولید سرانه کالاهای مادی و معنوی مردم آن وابسته است، این ویژگی متأثر از حجم سرمایه و به کارگیری صحیحی آن در جامعه معین است. اما سرمایه در هر جامعه ای شکل های مختلفی دارد، سرمایه مالی مانند پول و اعتبار، سرمایه فیزیکی از جمله زمین، ماشین آلات و تجهیزات، سرمایه انسانی مثل آموزش و مهارت و بالاخره سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، همبستگی، مشارکت وغیره. از سال ۱۹۹۳ با انتشار نتایج تحقیق رابرت پاتنام^{۲۷} که سعی کرد تفاوت‌های نهادی و اقتصادی مناطق مختلف ایتالیا را به عنوان اثر

سرمایه اجتماعی معرفی کند یک توسعه انفجاری و جهش عظیم در توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی صورت گرفت و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بر روند افزایش علاقه دولتها و اندیشمندان به این مفهوم و نقش آن در تأمین امنیت جامعه، تأثیر مثبت گذاشت. سرمایه اجتماعی اگر چه مفهومی نوین و نوپا در عرصه مطالعات اجتماعی است اما این مفهوم ریشه در روابط اجتماعی نوع بشر در طول تاریخ دارد.

اگر تا قبل از دهه ۷۰، مطالعات توسعه عمدتاً بر پارامترهای اقتصادی تکیه و تأکید داشت، در این دهه توجهات بیشتر به سوی عوامل اجتماعی و فرهنگی و در حقیقت کلیه عوامل (نه فقط اقتصادی) تأثیرگذار بر استانداردهای زندگی (نه فقط پارامترهای اقتصادی) معطوف گشت، و در این چرخش نظری بر مقوله ای تحت عنوان سرمایه اجتماعی متمرکز شد. از آن پس شواهد تجربی زیادی به دست آمد که سرمایه اجتماعی در توسعه شراکت دارد.

هرچند سرمایه اجتماعی شور و شوق زیادی در میان صاحبان نظران و پژوهشگران به مثابه یک چارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی ایجاد نموده، لیکن نگرشها، دیدگاهها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. از طرفی تعاریف گوناگونی از جنبه های مختلف برای این مفهوم ارائه شده است و از طرف دیگر به دست آوردن یک مقیاس کمیت پذیر از سرمایه اجتماعی به دلایل مختلف امکان پذیر نیست. اما ما می توانیم با ملاحظه یکسری از شواهد در خصوص چگونگی روند تغییرات سرمایه اجتماعی نتیجه گیری نماییم. در واقع می توان روند تغییرات سرمایه اجتماعی را از روی پیامدهای سرمایه اجتماعی شناسایی کرد.

همچنین تحقیقات اخیر یک دسته ای از تأثیرات منفی سرمایه اجتماعی را مشخص کرده است که شبیه اشکال دیگر سرمایه می تواند به همان اندازه که خوب است به بدی استفاده شود.

امروزه با وجود تمام انتقاداتی که بر این مفهوم وارد است، این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می گیرد. باید توجه کنیم که اکثر منتقدان با اساس و پایه مفهوم مشکل ندارند و بیشتر در مورد برخی تعاریفات، برخی حوزه های عملکرد سرمایه اجتماعی، اهمیت دادن بیش از حد به مفهوم و یا شاخصهای اندازه گیری آن مشکل دارند و خود به مفید بودن آن در روند توسعه اذعان دارند. به خلاصه می توان گفت که این میزان سرمایه اجتماعی در هر مرحله است که کمیت و کیفیت هر گام توسعه را تعریف می کند.

اما رویکردهای مختلفی درباره دورنمای آینده مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد. برخی گاهشهای بسیار شدید در سطح توجه به سرمایه اجتماعی و اعتماد را پیش بینی می کنند. این شرایط بستگی به چگونگی تلاش اندیشمندان در انجام اصلاحات و تکمیل مفهوم دارد و اینکه آیا خواهند توانست مشکلات مهم این مفهوم مانند ارائه تعریف واحد و شاخصهای استاندارد اندازه گیری آنرا حل کنند یا خیر؟ در حقیقت به نظر می رسد سرمایه اجتماعی برای اینکه در تحلیل اجتماعی سودمند باشد، به ناچار نیازمند برخی اصلاحات است.

منابع

۱- مجیدزاده، رضا، ۱۳۸۴، بررسی روش شناسی جایگاه سرمایه اجتماعی در توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی

۲- فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۷۹، پایان نظم، مترجم غلامعباس توسلی، جامعه ایرانیان

۳- Aldridge, Stephen and Halpem, David, Sarah Fitzpatrick, 2002, Social Capital : A Discussion paper, Performance and Innovation Unit

۴- Bourdieu P, 1986, The forms of capital in Richardson J. (ed), Handbook of theory and research for the sociology of education, Greenwood Press



- ۵- Coleman, J. 1988. 'Social Capital in the Creation of Human Capital.' American Journal of Sociology 94 : 95-120
- ۶- Fabio Sabatini , The Empirics of Social Capital and Economic Development: A Critical Perspective , Department of Public Economics ,University of Rome La Sapienza,JANUARY 2006
- ۷- Hobbs ,Graham, 2000 , What is Social Capital? A Brief Literature Overview, Economic and Social Research Foundation
- ۸- Ponthieux ,Sophie, 2004, The concept of social capital: a critical review, ACN Conference, Paris 21-23 January
- ۹- Putnam R., Making democracy work : civic traditions in modern Italy, Princeton University Press, 1993.
- ۱۰- Schmid ,A. Allan , 2000 , Afinity as social capital: its role in development , Journal of Socio-Economics 29
- ۱۱- Torsvik ,Gaute , Social capital and Economic Development , A Plea for the Mechanism , World Bank

پی نوشت

- 1 Schmid , 2000
- 2 Putnam
- 3 Fukuyama
- 4 Coleman
- 5 Bourdieu
- 6 Sabatini , 2006
- 7 Ponthieux, 2004
- 8 Sabatini , 2006
- 9 Loury, 1977
- 10 Portes , 1998
- 11 Bourdieu , 1986
- 12 Bourdieu , 1986
- 13 Bourdieu , 1986
- 14 Hechter, 1987 (as cited in Hobbs , 2000)
- 15 Hobbs , 2000
- 16 Paldam & Svendsen , 1998 (as cited in Torsvik , 2000)
- 17 Gaute Torsvik, 2000
- 18 Coleman, 1990 (as cited in Ponthieux, 2004)
- 19 Putnam, 1993 (as cited in Sabatini, 2006)
- 20 Woolcock , 2001 (as cited in Aldridge & Halpem , 2002)
- 21 Aldridge & Halpem , 2002
- 22 Aldridge & Halpem , 2002
- 23 Fukuyama , 1999
- 24 Woolcock & Narayan , 2000
- 25 Wuthnow. 2002 (as cited in Sabatini , 2006)
- 26 North, 1990 (as cited in Torsvik , 2000)
- 27 Putnam , 1993 (as cited in Sabatini, 2006)